



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد

نقش پایگاه بگرام در نظام تقسیم قدرت در منطقه

۲۰۲۵/۰۹/۲۵

دوکتور محمد عثمان تره کی

پایگاه نظامی بگرام کلید تسلط ژئوپولتیک در منطقه است. مبالغه نیست اگر بگوئیم که هر کشوری که این کلید را بدست داشته باشد معادله ژئوپولتیک را در منطقه به منفعت خود رقم میزند. از همین لحاظ رئیس جمهور ترامپ در بیانات خارج عرف دیپلماتیک از واپسگیری آن از طریق تهدید و زور صحبت کرد. زوری که در افغانستان در طول تاریخ هیچگاه از جانب مهاجمین مختلف به شمول امریکا و متحدین ناتو مولد و کامیاب نبوده است.

یک ادعای بی بنیاد:

درین شکی نیست که پایگاه هوایی بگرام با اشغال بیست ساله افغانستان توسط امریکا دارای تجهیزات پیشرفته و مدرن شد. اما سوال اینست که آیا این تأسیسات به امریکا آنطوریکه ترمپ مدعی است حق الحاق آنرا به آن کشور میدهد؟

ترمپ در دعوای واپسگیری پایگاه بگرام طوری صحبت میکند که گویی قبالة آنرا از زمان تأسیس امریکا بدست دارد. وی از موضع یک تجارت پیشه، پولی را که امریکا در اعمار پایگاه به مصرف رسانده است، به عنوان دلیل مالکیت کشورش به پایگاه ذکر میکند. اگر تصور کنیم که به هر کشور متجاوز و اشغالگر، مصارف به جاه مانده در تأسیسات مثلاً پایگاه نظامی، خط آهن، سیستم بانکداری، تجارت و غیره در مستعمرات (که همه به قصد تاراج منابع طبیعی صورت گرفته) حق مالکیت انحصاری و دایمی در استفاده از تأسیسات میبخشد، امروز بیرق استعمار انگلستان در هند، از فرانسه در الجزائر و از آلمان در تانزانیا و روندا بر افراشته باقی میماند.

ترمپ در شرایطی از واپسگیری بگرام به دلیل مصرف در اعمار آن صحبت میکند که هنوز زخم های ناشی از تجاوز امریکا التیام نیافته است و به دلیل بی کفایتی حکومت طالبان روی مطالبه غرامات جنگ با طرف امریکا بحث جدی نشده است.

تشکیل یک بورد مسلکی و مشورتی و لویه جرگه اضطراری:

اتخاذ فیصله در اعطای امتیاز یک پایگاه نظامی بیک کشور خارجی موضوع بسیار پیچیده است که نمیتوان صرفاً روی کشیدن خط میان کفر و اسلام به آن پرداخت. موضوع دارای ابعاد ژئوپولتیک، ژئواستراتژیک، دیپلماتیک و سیاسی است که باید متخصصین مربوط روی آن بحث کنند و نتیجه تحلیل خود را با حکومت برحال در میان بگذارند.

بعد دیگر قضیه اینست که اعطای امتیاز پایگاه به یک کشور خارجی از موضوعات بزرگ ملی است که روی سرنوشت هر افغان تأثیر مثبت یا منفی میگذارد. حکومت طالبان در چنان موقعیتی که به نمایندگی از همه اقشار مردم در موضوعات بزرگ ملی فیصله صادر کند قرار ندارد.

مصلحت اینست که طالبان در رابطه به مطالبه امریکا نباید حکومت خود را در تقابل با تهدیدات ترامپ قرار بدهند. موضوع اعطای امتیاز پایگاه باید فوراً به یک لویه جرگه اضطراری حواله شود. به تعبیر دیگر طالبان باید با تقسیم مسئولیت با مردم و ملت به مطالبه ترمپ جواب بدهد. مفاد این طرز العمل اینست که مجموع ملت افغانستان به تهدیدات ترمپ پاسخ میدهد و در صورت حمله احتمالی به افغانستان (که احتمال آنرا بعید میدانم) مردم در دفاع از حاکمیت قرار میگیرند.

اگر قرار باشد افغانستان با امریکا داخل تعامل امنیتی شود، این در چوکات اجندای منطقوی افغانستان خواهد بود :

ترمپ در پلان تخیلی قبضه به بگرام چین را هدف قرار داده است. این در حالیکه افغانستان نباید مناسبات دوستی با کشور همسایه چین را به بهای همکاری با امریکا زیر سوال ببرد.

اگر قرار باشد افغانستان با امریکا در همکاری استخباراتی و امنیتی قرار بگیرد، برای ما افغانها بیشتر مبارزه با تروریسم در آنسوی خط دیورند مطرح است، نه مقابله با چین، روسیه و آسیای مرکزی. ترمپ در بیانات اخیر خود در تسخیر (؟ !) بگرام به مبارزه با تروریسم اشاره معنا دار کرده است.

همکاری با امریکا در حد استخبارات برای یکی دوسال بشکل آزمایشی یک امر ضروری است . به دو دلیل : یکی اینکه مرکز توجه امریکا از پاکستان به سوی افغانستان جلب میشود. نهایتاً از تحریکات پاکستان توسط امریکا بر ضد حکومت طالبان جلوگیری بعمل میآید. دوم اینکه افغانستان برای داعیه ملی حذف خط دیورند دارای پشتوانه قوی خارجی میشود.

همکاری استخباراتی یک مرحله آزمایشی است. این همکاری در صورتیکه برای تحقق مطالبات طرف افغانستان مفید ثابت شد، میتواند انکشاف کند.

همکاری اطلاعاتی با امریکا به معنای سپردن اداره بگرام به آنکشور نیست . به بگرام در همه حالات باید به مثابه ستون فقرات امنیتی حکومت مرکزی نگاه شود.

مطالبه ترامپ در پیوند با اوضاع امنیتی در پاکستان :

مطالبه حضور نظامی در بگرام از طرف امریکا در شرایطی مطرح میشود که:

۱- افغانستان در موضوع خط دیورند در جنگ های پراکنده با پاکستان قرار دارد. امریکا در زمان اشغال افغانستان خط دیورند را نه تنها بحیث سرحد بین المللی پذیرفته بود، بلکه در کشیدن سیم خاردار با پاکستان کمک مالی هم کرده بود. البته اتخاذ این موضع روی الزامات لوژستیک وقت بود. معلوم نیست موقف حکومت ترمپ در زمینه تغییر کرده است یا نه ؟ درک این موضوع برای همکاری با امریکا دارای اهمیت حیاتی است.

۲- اوضاع امنیتی در پینتونخواه و بلوچستان هر روز بدتر میشود. به موازات آن اتهام خرابی اوضاع از سوی پاکستان به افغانستان نسبت داده میشود. افغانستان سخت زیر تهدیدات بمباران پاکستان قرار دارد. در صورت همکاری استخباراتی حکومت طالبان با امریکا موضع امریکا در برابر تهدیدات پاکستان چه خواهد بود ؟

۳- همکاری اطلاعاتی افغانستان با امریکا در صورتیکه انکشاف کند، مسیر تشکل آرام و تدریجی یک بلاک ژئوپولتیک را که دران هندوستان نیز شامل باشد باز میکند. درین بلاک افغانستان زیر پوشش دو قدرت ذروی قرار میگیرد و از تهدیدات و تجاوزات پاکستان مصئون میماند. نا امنی های ناشی از معضله خط دیورند در سطح وسیع در منطقه مطرح میشود و برای آن راه حل جستجو میگردد.

استحاله سکتاریست ها به ناسیونالیست ها:

نویسنده طی چند روزیکه اخبار را دنبال میکند، شاهد برخورد بسیار احساساتی هموطنان به قضیه است. موضوع همکاری با امریکا با پیوند با غیرت افغانی، جهاد در برابر کفار، جذبات آزادیخواهی و حتی تمایلات سکتارستی قومی مطرح شده است : سکتاریست ها با سراسیمگی به قضیه برخورد کرده اند. آنها ازینکه ممکن همکاری طالبان با امریکا در رابطه به تغییر نقشه انتنیک در افغانستان منجر شود، هراس دارند : از درون حکومت طالبان لوی درستیز تاجک تبار (فصیح الدین فطرت) به جار بلند اعلام مخالفت کرد. در بیرون افغانستان منسوبین فراری نظام گذشته وابسته به اقلیت های قومی اعم از والی، عضو پارلمان و پاروکش ایساف با کشیدن نقاب ملی گرایی بر چهره در مخالفت با همکاری با امریکا صحبت کردند. این جمع افراد همان هایی اند که در زمان اشغال افغانستان به پای جنرالان ناتو سجده میکردند. آنها روی مصلحت سکتارستی ملی گرا شده اند.

نتیجه:

افغانستان زیر تهدیدات پاکستان قرار دارد. در عقب صحنه امریکا پاکستان را بر ضد طالبان تحریک میکند. تعامل افغانستان در سطح پائین استخباراتی و امنیتی با امریکا، خطر ناشی از حمله پاکستان یا امریکا را به افغانستان اگر نتوانست از میان ببرد آنرا مطمئناً کم میکند.

پایگاه بگرام باید در اختیار مطلق و انحصاری حکومت های افغانستان قرار داشته باشد. اشغال آن از طریق زور توسط یک قدرت خارجی درب دوزخ را برای مهاجم باز میکند. افغانستان بار دیگر درگیر جنگ های تباهن می گردد. از همین لحاظ روی مصلحت ملی یک تعامل مثبت با امریکا دارای اهمیت حیاتی است. این تعامل زمینه شناسائی بین المللی حکومت طالبان را مساعد میسازد و افغانستان را از انزوای دیپلماتیک بیرون میکند.

« پایان »

ارسالی : شیر سایی